

## قبل از سینما

## باقاب عکس‌های عزیزان فیلم‌دیدن

تصور اینکه حدود سه دهه پیش در جنگ چه گذشته، کار راحتی نیست؛ حتی برای خانواده‌هایی که با شهید یا جانبازشان یادگاری از آن دوران دارند هم مشکل است. از همین رو، زمانی که فیلم «شیار ۱۴۳» ساخته‌شد، خیلی‌ها از جمله خانواده شهید پای این فیلم نشستند تا بدانند در جبهه بر دلاورانشان چه گذشته است. حال امروز هم بعد از چندسال دوباره فیلم دیگری با روایتی از جبهه و جنگ به نام «اشنگول» روی پرده سینماها رفته است که به دنبال هدفی مشابه است.

به دنبال همین شهرداری منطقه ۸ با همکاری فرهنگ‌سرای پایداری، هم‌زمان با اولین روزهای اکران این فیلم با دعوت از خانواده شهید، آن‌ها را به تماشای این فیلم در پردیس سینمایی هویزه نشاند. برای حضور در این برنامه ۳۰ تن از خانواده شهید اعلام آمادگی کرده بودند که شهرداری وسیله رفت و آمدشان را مهیا کرد. بعد از چند روز برنامه‌ریزی بالاخره اولین روز هفته این مادران، پدران و همسران شهید پای دیدن فیلمی نشستند که شاید بارها با حرف‌ها و خاطراتی که شنیده و عکسش را دیده بودند، تصویرسازی کرده بودند.

یکی از دیدنی‌ترین لحظه‌های حضور این خانواده شهید در سینما هویزه، لحظه ورودشان به سینما بود. لحظه‌ای که تصویر هر کدام با یک قاب عکس از شهیدشان ثبت شد. قاب‌های بزرگ عکسی که آن‌ها با خود آورده بودند تا با شهیدشان، به تماشای فیلم بنشینند و برای لحظه‌ای هم که شده مغرور شوند از داشتن فرزند و همسران شجاع در میدان نبرد؛ همان‌هایی که دیگر در بینشان نیستند.

## در سینما

## بغض و گریه

صدای توپ و تانک بلند شده است. از زمین و آسمان تیر می‌بارد. اما گویی زمان در سینما نمی‌گذرد. مادری محکم عکس پسرش را به آغوش کشیده و هم‌زمان با گیر افتادن غواص‌ها، عرق بر پیشانی‌اش می‌نشیند. نخستین فریاد جوان دلاور غواص که خاموش می‌شود، گریه با اشک‌هایی که راهشان را روی صورت جمع‌شده و چروکیده مادر باز کرده، آغاز می‌شود.

به این قسمت از فیلم که می‌رسیم، زمان شتاب می‌گیرد. عقر به‌ها به سرعت از کنار هم می‌گذرد تا صحنه‌ای را به نمایش بگذارند که فاجعه‌ای تمام‌عیار در قامت مرگ جسم رخ خواهد داد.

همین جاست که دومین تیم شناسایی عملیات غواص‌های

جوان لو می‌رود. بعضی‌ها این ماهی‌های شجاع را از آب می‌گیرند و هم‌زمان پدر شهید دیگری با ذکر یا زهرا خودش را آرام می‌کند.

همه غواص‌ها جوان هستند. نبض زندگی‌شان می‌زند و نجوای‌های نهفته دارند تا دل یکدیگر را قرص کنند که کسی اطلاعات به دشمن ندهد. فریاد فرمانده سومین بار بلند می‌شود. کسی حاضر به دادن اطلاعات نمی‌شود و بیش از ۱۱ غواص جوان، با دست‌های بسته در یک گور دسته‌جمعی زیر خروارها خاک بیل می‌کمانیکی می‌روند تا خاک، راه نفسشان را بند بیاورد. دیگر صدای گریه نیست که فضا را پر کرده، بیشتر حق مادرهای داغ‌داری است که با تک‌جمله «پسرم غواص بود» همراه می‌شود.

## بعد سینما

## زنده شدن خاطره از راه رفتن تا خندیدن

## و خوابیدن

تاریخ پر است از دلاوری‌ها، مردانگی‌ها، مهربانی‌ها، شکست و پیروزی‌ها که او جوش را می‌توان به دوران جنگ تحمیلی و رزمندگان‌های آن نسبت داد. همچون شخصیت یونس در فیلم «اشنگول» که از خود گذشت تا راهی برای رزمندگان‌ها باز شود؛ قهرمان داستان که آخرین برگ از عمرش با شهادت ورق خورد؛ قهرمانی که به خانواده‌های شهدای حاضر در سینما رساند که فرزند و همسران شهیدشان کم از چنین شخصیت‌هایی ندارند. همین باور هم با پایان فیلم آغازگر روایت‌های خانواده‌ها از شهیدانشان شد.

محمد حسین قاسمیان، پدر شهید غواص، محمد، جزو نخستین‌هایی بود که پس از پایان فیلم از پسرش گفت: پسرم شجاع و عاشق امام حسین (ع) بود. از همان کودکی همیشه می‌گفت من باید از کسانی باشم که راه کربلارا باز می‌کند. با همین باور وقتی هم جنگ شروع شد جزو اولین رزمندگان‌ها عازم جبهه شد. ۷ سال در میدان ماند و به عنوان غواص در عملیات‌های زیادی شرکت کرد، شناسایی کرد و راه خیلی‌ها را برای دفاع از وطن باز کرد. اما دشمن امانش نداد و در عملیات کربلای ۵ در شلمچه تیر خورد و شهید شد.

مسعود شعبانی، پدر شهید محمد حسین که پسرش را با عکس غواصی در جبهه به یاد می‌آورد هم از رشادت‌های پسرش گفت و تعریف کرد: محمد من از آن رزمندگان‌های شجاعی بود که شناسنامه‌اش را در سن پایین دست کاری کرد تا بتواند در مقابل دشمن بایستد. عشق دفاع از وطن را داشت و می‌گفت: من اگر نروم خاک وطنم از دست خواهد رفت. با همین باور هم وقتی جبهه رفت در خط مقدم بود. غواص بود و تیرانداز. آن طور که دوستانش برایشان تعریف می‌کنند در رمضان سال ۱۳۶۱ در شلمچه تیر می‌خورد. اما کسی متوجه نمی‌شود او شهید شده است یا نه. همچون یونس فیلم اشنگول که کسی از سرنوشتش خبر نداشت. تا اینکه بعد از ۱۵ سال پلاکش را برایمان آوردند و شگفت‌انگیز بود که الان در کنار نام اوسه عدد ۱۵ نشسته است. اولین ۱۵ مربوط به سن اوست که رفت جبهه، دومین ۱۵ مربوط به تعداد روزها حضورش در جنگ است و سومین ۱۵ هم تعداد سال‌های مفقودی‌اش است. کلتوم رضایی، همسر شهید محمد عزیزی که خاطره ۵ سال زندگی مشترکش با این شهید جزو بهترین روزهای جوانی‌اش بوده است، با دیدن اشنگول از زنده شدن خاطراتش گفت و به یاد آورد: محمد سال ۱۳۶۴ در کردستان شهید شد. فرمانده بود و دلیر. اما کسی خبر از سرنوشت او نداشت. من هم فکر می‌کردم اسیر شده است. ۱۰ سال منتظرش ماندم و در تمام این سال‌ها رویه پنجره خوابیدم تا اگر در را باز کرد و وارد حیاط شد از پشت شیشه صورتش را ببینم. اما دریغ که هیچ‌وقت خودش نیامد. بعد از ۱۰ سال فقط به خوابم آمد و گفت: خانم دیگر منتظر نباش، من برگشتم. خوابی که به صبح نرسیده تعبیر شد و صبح همان شب از بنیاد خبر آوردند که پلاک و پیکرش پیدا شده است.

عضو هیئت‌رئیس شورای اسلامی شهر مشهد

## زبان هنر از مؤثرترین روش‌های رواج فرهنگ ایثارگری است



اکران فیلم اشنگول در سینما هویزه مشهد با سخنان عضو هیئت‌رئیس شورای اسلامی شهر مشهد همراه بود. شش‌هزار مرام در آغاز اکران این فیلم از زبان هنر و تأثیرش در جامعه گفت: زبان هنر در همه مسائل از ارزش‌ها گرفته تا اینکه باید از ابزار هنر استفاده مفید شود، افزود: نمونه این استفاده مطلوب در ساخت فیلم‌های دفاع مقدس است که هر چه پر داشت واقعی‌تر داشته‌باشد، باورپذیرتر و مؤثرتر خواهد بود. به گفته وی با ساخت درست چنین فیلم‌هایی است که می‌توان در جامعه فرهنگ ایثار، وطن‌پرستی و دفاع از کیان و مرزهای کشور را در بین مردم به خصوص جوانان گسترش داد.

کارگردان فیلم اشنگول

## در حوزه دفاع مقدس برای خراسان کاری نشده است



هادی حاجتمند، کارگردان فیلم اشنگول هم که در این اکران رسمی با عوامل فیلمش حضور داشت، در گفت‌وگو با خبرنگار ما درباره این اثر سینمایی تصریح کرد: من خودم مشهیدی هستم و با شناختی که از رشادت‌های رزمندگان‌های خراسان در جنگ دارم، دغدغه ساخت فیلم غواصان رزمندگان را داشتم که بالاخره با این فیلم محقق شد. وی اشاره‌ای به ظرفیت‌های مشهد و خراسان در حوزه سینما کرد و ادامه داد: خراسان قطب سینمای انقلاب است، اما تاکنون برای این استان در این حوزه کاری نشده است که امیدوارم این فیلم آغازی برای این راه باشد. حاجتمند در توضیح فیلمش که به خانواده شهیدای خراسان تقدیم شده است هم این‌طور گفت: فیلم اشنگول، داستانی نیمه واقعی تخیلی است که با برداشتی از زندگی یکی از غواصان شهید خراسان نوشته و پرداخته شده است. وی افزود: حتی در این فیلم از عوامل و بازیگران توانمند مشهیدی استفاده شده است تا به این طریق مقابل نبود پول برای تولید ایستاد. آن طور که این کارگردان می‌گوید با ساخت این فیلم تلاش شده است تا خراسانی‌ها با رزمندگان‌هایشان آشنا شوند و به رشادت‌های آن‌ها بی‌برند واقعی‌تری که از یک دانشجوی خراسانی می‌پرستند از شهیدی نام ببر به جای نام بردن شهیدای شهرهای دیگر نام شهیدایی همچون جلیل محمدي‌فر از گردان یاسین، امیر نظری از گردان نوح و... را ببرد. حاجتمند در پایان سخنان خود با ابراز خرسندی از اکران‌های موفق فیلم اشنگول در کشور این امیدواری را هم داد که در کارهای آینده‌اش باز هم به حوزه دفاع مقدس حتی قوی‌تر از این فیلم بپردازد.

هاشم مسعودی، از بازیگران فیلم اشنگول

## مشهد ظرفیت بالایی دارد

فیلم اشنگول که مدت کوتاهی از روی پرده سینماها رفتنش می‌گذرد، افتخارش استفاده از عوامل و بازیگران مطرح مشهیدی است. در این اثر سینمایی، فیلم‌روی هشت بازیگر اصلی می‌چرخد که همه آن‌ها به شخصیت یونس با نقش آفرینی کاوه سماک‌باشی ختم می‌شوند؛ یونسی که به عنوان فرمانده گردان غواصان سه شب قبل از عملیات در حالی که در صدد حفر تونل در منطقه عملیاتی بوده است، مفقودالاً می‌شود. حالا پس از ۳۰ سال اطلاعاتی به دست می‌آید که نشان می‌دهد احتمالاً یونس زنده است و در آن زمان به واسطه منافقان قرارگاه اشرف که یکی از آن‌ها خواهرش بوده است، با دشمن همکاری کرده است. در همین رابطه هاشم مسعودی، به عنوان دستیار کارگردان که همچون کارگردان از شهروندان محله بهشت شهرداری منطقه ۸ است، گفت: فیلم اشنگول نتیجه ۴۵ روز پیش تولید و ۳۰ روز ضبط در تهران است. وی که به عنوان بازیگر نیز در این فیلم حضور دارد، افزود: در این فیلم تلاش زیادی شده است تا از افراد مشهیدی استفاده شود و به نوعی ظرفیت بالای سینمایی و هنری شهر به نمایش گذاشته شود.



## خراسان

## قطب سینمای

## انقلاب است،

## اما تاکنون

## برای این

## استان در این

## حوزه کاری

## نشده است که

## امیدوارم این

## فیلم آغازی

## برای این راه

## باشد

